

بر فراز برج‌های دوبی

شب زنده‌داران را کسی

به نماز صبحگاهی فرا نمی‌خواند!

فارغ التحصیل مدرسه حقانی قم بودند و شجره اولی-کرباسچی-بیش از دومی به روحانیت باز می‌گشت و در قم ریشه داشت *

منطقه آزاد "جبل‌علی" دوبی ابتدا رقیب منطقه آزاد کیش شد و مدیران آن کمر "مرتضی الویری" را شکستند که در جزیره آزاد تجاری کیش حکم می‌راند. جبل‌علی، سپس به قانونی دفاتر بزرگترین شرکت‌های تجاری جهان تبدیل شد و بسیاری از شرکت‌های تجاری جهان که در ابتدا قصد استقرار در کیش را داشتند، بی‌اعتماد به آینده ایران و نگران از آینده نا مطمئن حاکمیت چندگانه جمهوری اسلامی تخته‌پوست خود را در دوبی پهن و بانک‌های این شیخ نشین را صندوق‌دار خود کردند! توسعه شهرک‌های اطراف "جبل‌علی" با سرعت توفان دریائی شروع شد. تجارت، سیاست و سیاحت نام ۲۰۰ تا ۲۵۰ پروازی شد که هر هفته از ایران وارد فرودگاه دوبی شدند. شهرک "DUBAI MARIA" از دل همین پروازها بیرون آمد، همچنان که سرمایه‌گذاری خانواده هاشمی رفسنجانی در خطوط هواپیمائی دوبی و پیوند خوردن آن با شرکت هواپیمائی ماهان، که سرمایه و مدیریت آن را خانواده هاشمی رفسنجانی برعهده دارند از دل همین پروازها بیرون آمد! آنچه در تهران ممکن نبود، در DUBAI MARIA ممکن شد؛ چه در سیاحت و سیاست و چه در تجارت. آنچنان که اکنون بسیاری از ایرانیانی که از اروپا و امریکا راهی ایران می‌شوند، پرواز دوبی-تهران را به خطوط دیگر ترجیح می‌دهند، حتی مسافرانی که از استرالیا راهی تهران می‌شوند توقف و گشتی در دوبی و DUBAI MARIA را به فرودگاه‌های زوریخ و فرانکفورت و دیدن پلیس‌های موبور اروپائی ترجیح می‌دهند. اگر در زوریخ و فرانکفورت پلیس برای مسافران ایرانی چشم نازک می‌کند و در کیش و جیب ایرانی‌ها دنبال فرماندهان القاعده می‌گردد، در دوبی پلیس نرم‌خو گمرک فرودگاه دنبال سرکیسه شل و جیب پُر پول می‌گردد. کافی است این هر دو را داشته باشی تا پلیس فرودگاه دوبی همان نقشی را ایفاء کند که ماموران یونیفورم پوش مقابل هتل‌های بزرگ اروپائی برای میهمانان هتل!

فاز اول شهرک Maria تا سال ۲۰۰۴ آماده تحویل است. این فاز دارای ۶ برج است با ۶۴ ویلا که در هر برج حدود ۱۱۰ واحد آپارتمانی قرار دارد. امارات متحده عربی، از همان ابتدا که خشت روی خشت در Maria گذاشته شد اعلام کرد که آماده فروش این آپارتمان‌ها و ویلاها به خارجی‌هاست. در دوبی، آن خارجی که دولت امارات عربی از آن نام می‌برد کسی نیست جز پولدارهای جمهوری اسلامی. در جمهوری اسلامی یافتن آنکه پول دارد و می‌تواند در دوبی آپارتمان در برج بخرد و یا ویلا در دوبی همان است که در تهران برج نشین است و اگر صاحب وثیقه‌های ۵ میلیارد تومانی نباشد، با صاحبان این وثیقه‌های افسانه‌ای در ارتباط است. بر فراز این برج‌ها کسی اذان نمی‌گوید و شب زنده‌داران خواب زده را به نماز صبحگاهی فرانمی‌خواند!

قیمت هر آپارتمان ۳ خوابه ۱۴۰ متری از ۸۷۵۰۰۰ (۲) شروع می‌شود و ۷ میلیون درهم برای ویلاها می‌رسد. بازاریاب‌ها و کاربدهستان شرکت‌های واسطه فروش این آپارتمان‌ها با فروش‌های فوق‌العاده از آخرین نمایشگاه امارات متحده در تهران به دوبی بازگشتند. برج "فیروزه" زودتر از هر برج دیگری پیش فروش شد.

این نمایشگاه در تهران تمام شد اما سفر متقاضیان برای بستن قرارداد خرید ویلا و آپارتمان به دوبی چنان ادامه یافت که گسترش شهرک‌سازی و برج‌سازی در دوبی را اجتناب ناپذیر کرد. هرکس در دوبی صاحب ملک باشد اجازه اقامت دائم در دوبی را کسب می‌کند و این اقامتی وسوسه انگیز برای آن کسانی در حاکمیت جمهوری اسلامی است که از عاقبت کار در جمهوری اسلامی نگرانند و جای پائی را برای

در آب‌های شیخ نشین دوبی، ساختمان بهشت کوچکی را در یک جزیره مصنوعی آغاز کرده‌اند، که حدس و گمان‌های بسیاری در باره آن وجود دارد. از جمله این حدس و گمان‌ها میزان سرمایه‌ایست که برای این پروژه در نظر گرفته‌اند و کسانی که در این سرمایه‌گذاری سهم دارند و یا از هم اکنون برخی تاسیسات آن را پیش خرید کرده‌اند. از آنسوی آب، کسی سرمایه و نقدینگی از آب گذشته‌ای را از قلب تهران تا قلب این جزیره مصنوعی منتقل کرده‌است؟

از نقدینگی سرگردانی که در اختیار صاحبان قدرت و ثروت در جمهوری اسلامی است، در کنار بگیربینه‌ها، زندان کردن این و آن، قتل و بستن مطبوعات جزیره‌ای مصنوعی نیز در دل آب‌های دوبی سر از آب بیرون می‌آورد. در این جزیره، بدور از هر چشم تیزبینی می‌توان ملاقات‌های مهم سیاسی و شاید هم غیر سیاسی را ترتیب داد. آنچه که نه در تهران، بلکه در هتل‌های دوبی هم دیگر ممکن نیست و بسرعت فاش می‌شود.

امنیت؟ زیاد نگران آن نباید بود. قایق‌های توپدار سپاه پاسداران و پروازهای اختصاصی شرکت هواپیمائی ماهان هر نوع امنیتی را تضمین می‌کنند! نام جزیره مصنوعی "PALM" است و تجهیزات عظیم لایروبی و نقل و انتقالات از ساحل دوبی نیز دیده می‌شود.

برای برپائی "ونیز" در ایتالیا نیمی از جنگل‌های اروپا را قربانی کردند و برای برپائی جزیره مصنوعی Palm در دوبی نیمی از آرزوهای مردم ایران برای رهائی کشور از عقب ماندگی را (۱) ونیز را تجار بزرگ ایتالیا در اوج اقتدار سرمایه‌داری تجاری و در رقابت با بازرگانان اسپانیائی و پرتغالی بنا کردند و PALM را تجار به قدرت رسیده در جمهوری اسلامی و عقب مانده‌ترین مناسبات سرمایه‌داری در ایران.

شهرک‌سازی در دوبی پروژه‌های شهرک‌سازی، پس از اعلام محاصره اقتصادی ایران توسط امریکا و اروپا و آغاز گشایش دفاتر تجاری در این شیخ نشین خلیج فارس شروع شد. اجناس را یک لا به دوبی منتقل کردن و چند لا به ایران. آنکه به خاک سیاه نشاندند مردم ایران بودند که هم چوب را خوردند و هم پیاز را. هم غارت شدند و هم بنام اسلام شمشیر بر گردنشان فرود آوردند و زبانشان را بریدند!

بعدها، وقتی برج‌سازی در تهران و مشهد متوقف شد و حجت‌الاسلام سابق غلامحسین کرباسچی شهردار تهران در برابر حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای در دادگاه ایستاد و ساختمان‌سازی در تهران متوقف شد، برج‌سازی در دوبی شروع شد. دو حجت‌الاسلامی که هر دو

بازی اطلاعاتی-امنیتی در دویی مانع تشکل
بزرگترین اقلیت ایرانی در این شیخ نشین شده است

قلعه‌ای با برج و بارو بنام کنسولگری

نگاهی به سرگذشت کنسولگری جمهوری اسلامی در "دویی" فصل الخطاب هر گزارش و سخنی در باره موقعیت این شیخ نشین در قلب شبکه تجارت جهانی با ایران است. آشنائی با کارکنان سفارت و نحوه زندگی آنها از یکسو و رقابت کش‌داری که بر سر رسیدن به مقام کنسولی در دویی وجود دارد نیز از سوی دیگر اهمیت اقتصادی و سیاسی دویی برای جمهوری اسلامی را نمایان می‌کند، همانگونه که مناسبات پلیس محلی با کنسولگری جمهوری اسلامی نشانگر سبیلی است که کنسولگری علاوه بر شیوخ، از پلیس محلی هم چرب می‌کند.

از هر کس که با دلالتی، تجارت و حمل کالا به ایران در بازار دویی سروکار دارد در باره محل کنسولگری جمهوری اسلامی سؤال کنید پاسختان را می‌دهد؛ حتی اگر بیشتر کنج‌کاو باشید برایتان تعریف می‌کنند که ساختمان کنسولگری ظرف دهسال گذشته سه بار تغییر محل داده است. این کنسولگری سال‌ها در ساختمانی متروکه در یکی از محلات قدیمی دویی مستقر بود تا آنکه همراه چند کنسولگری دیگر به منطقه‌ای جدید کوچ کرد و در ساختمانی کوچک همسایه هند و پاکستان شد.

یک ایرانی جا افتاده، قدیمی اما در ارتباط با ایران در دویی به من می‌گوید:

- انتخابات ۷۶ در همین محل کوچک برگزار شد. استقبال ایرانی‌های دویی از این انتخابات چنان گسترده بود که همه اتاق‌های کنسولگری به انتخابات اختصاص یافته بود؛ حتی با این حال ساختمان کنسولگری گنجایش چنین استقبالی را نداشت. پیر و جوان، کارگر و سرمایه‌دار و کارگزار و کارمند و خلاصه هر کس شناسنامه ایرانی خود را در جیب داشت به کنسولگری مراجعه کرده بود تا رای بدهد. فقط شهرهای ایران در خرداد ۷۶ توسط مردم تحول خواه ایران فتح نشده بود، شهر کوچک دویی را هم ایرانی‌های علاقمند به سرنوشت ایران فتح کرده بودند. محمدخانی، نه فقط در ایران، بلکه در دویی هم با اکثریت قاطع به ریاست جمهوری انتخاب شد.

یک ایرانی دیگر، هنگامیکه در حاشیه ساحل دویی با هم قدم می‌زدیم و اطلاعاتش را در اختیارم می‌گذاشت، در باره انتصاب کنسول جدید جمهوری اسلامی در دویی گفت:

- کنسولگری جمهوری اسلامی، بعد از انتخابات دوم خرداد، که ناگهان احترام محلی‌ها را نسبت به ایرانی‌ها چند برابر کرده بود، به یکی از گرانترین و بهترین مناطق دویی منتقل شد. آن انتخابات و آن رای عزت و احترام ما را در دویی بالا برده بود، چنانکه کارکنان کنسولگری و وزارت خارجه جمهوری به فکر برج و قلعه‌ای در خور این انتخابات برای خود افتاد و دست به کار ساختن برج و بارو شد! چنان قلعه‌ای برای کنسولگری جمهوری اسلامی ساختند که عظمت آن فقط با کنسولگری انگلستان در دویی قابل قیاس است! ساختمانی آجری، با ستون‌های بلند که در میان

عقب‌نشینی‌های آینده جستجو می‌کنند. این همان وسوسه و دوراندیشی است که از دل آب‌های دویی، در قامت جزیره افسانه‌ای PALM سر برآورده است.

اینترنت سیتی پیش از MARINA، شهرک INTERNET CITY در دویی تاسیس شده بود که مهر معتبر "مایکروسافت" ضامن بقای آنست. شاید ۹۰ تا ۹۵ در صد ساکنین دویی ندانند مایکروسافت یعنی چه و کاربرد اینترنت چیست؟ اما آنها که این شهرک را بنا نهاده و مایکروسافت را به آن دعوت کرده‌اند، پیش از آنکه نگاهی به اطراف خود در دویی داشته باشند به آن دوره‌ها، به ایران چشم دوخته‌اند. به بازار پررونق اینترنت در آن و به سطح بالای روشنفکری- دانشجوئی آن، که قاهره با تمام سوابق دانشگاه "الازهر" توان رقابت با آن را ندارد. در تهران به صهیونیسم ناسزا می‌گویند و برای اسرائیل شاخ و شانه می‌کشند، اما سرمایه‌دار اسرائیلی گشتی در دویی زده و با سودی دولاپهنا، که از جیب ایران درآورده به تل‌آویو باز می‌گردد. بزرگترین نمایشگاه کامپیوتری دویی که هر سال برپا می‌شود در آغوش شهرک INTERCITY رشد کرده و بزرگ شده است. نام این نوزاد پر قدرت JETEX است، که هر سال در دویی بزرگترین قراردادهای کامپیوتری را منعقد کرده و سال بعد پر توان‌تر و امیدوارتر به دویی باز می‌گردد. بانک‌های پررونق دویی با ثبت این معاملات و ذخیره پول تجار بزرگ ایرانی در بورس‌های بزرگ جهانی قد علم کرده‌اند.

گرمای هوا در فصل "خرما پزان" دویی شاید خرما را شیرین کند، اما پیش و بیش از خرما کام تجار ایرانی، بانک‌های کارگزار این تجار و شرکت‌های بزرگ صادر کننده کالا به ایران را شیرین می‌کند. جدال این دو گرما، در طول روزهای بلند تابستانی، که قوی‌ترین کولرهای گازی نیز در کاهش آن برای صاحبان ثروت نقش دارند، با غروب آفتاب به نتیجه می‌رسد. روز و گرما با هم به پایان خط می‌رسند و سود و گردش شبانه با هم به ساحل دریا می‌آیند!

فساد و عیاشی در کنار تجارت ثروت مردم غارت شده ایران، به خونی می‌ماند که در رگ‌های سوداگران عرب در گردش است و خون فاسد را فاسدتر می‌کند. در کنار دختران جوان ایرانی که با کاروان "تجارت جنسی" از اقصی نقاط ایران به شیخ نشین‌ها منتقل می‌شوند، شبکه‌ای رقیب، دختران کم سن و سال تاشکندی را اخیراً به دویی منتقل کرده است. آنها به هتل‌ها رفت و آمد دارند، روسی و ازبکی را با ۴۰-۵۰ لغت انگلیسی و عربی صحبت می‌کنند، اما وقتی برای خرید در بازار دویی ظاهر می‌شوند فارسی شکسته بسته شان بهتر از انگلیسی و عربی است!

عیاش‌ترین و فاسدترین سوداگران عرب در اتحاد با هم‌تایان ازبک خود، روی پول ایرانی‌ها حساب باز کرده‌اند. همان حسابی که مایکروسافت، برج‌سازان محلی و ۰۰۰ باز کرده‌اند!

۱- ونیز را روی سطح ایجاد شده و از آب بیرون آمده تنه درخت‌های عظیم بلوطی که کنار هم در کم عمق‌ترین قسمت دریا فرونشاندن بودند بنا کردند و گفته می‌شود نیمی از درخت‌های اروپا را با پول تجار و حمایت کلیساها برای انتقال به این نقطه و ساختن جزیره ونیز قطع کردند.

۲- هر دلار برابر ۳۶۷ درهم است.

همین وابستگی، که کنسولگری جمهوری اسلامی نیز نه تنها در پی پنهان کردن آن نیست، بلکه در باره آن تبلیغ و بزرگنمایی نیز می‌کند باعث این شایعه شده که عده‌ای در این بیمارستان عامل خبری کنسولگری‌اند. یک باشگاه ورزشی-فرهنگی نیز ایرانی‌ها در دوبی دارد که مجموعه بزرگ و قابل توجهی است. در اینجا هم کنسولگری جمهوری اسلامی به گونه‌ای رفتار کرده که همان اتهامات بیمارستان ایرانیان شامل حال این مجموعه هم شده‌است. این باشگاه ورزشی دارای هتل و رستورانی است که اغلب ماموران و مقامات محلی و یا کنسولگری از آن استفاده می‌کنند. سینما و تاتر نیز از دیگر فعالیت‌های این مجموعه است.

اگر ایرانیان دوبی را به حال خود بگذارند و جمهوری اسلامی دست از تبلیغات مخرب و تحریک‌کننده‌اش بردارد، هیچ نیازی به فتح نظامی این کشور نیست. پول ایران و جمعیت ایرانی دوبی خود برای چنین فتوحی کافی است.

برای دیدن یک نمایش به باشگاه ایرانیان رفتیم. درست قبل از شروع نمایش، تعداد زیادی مرد و زن با ریش و چادر سیاه در سالن نمایش جمع شده بودند تا نمایش را ببینند. آنها نه برای تظاهرات آمده بودند و نه قصد هیچ نوع تبلیغی را داشتند، کارمندان، کارکنان و وابستگان اعزامی نهادهای مختلف جمهوری اسلامی به دوبی بودند که با این شکل و شمایل آشنا در یکجا جمع شده بودند. پلیس محلی که در بازار و کنار هتل‌ها و ساحل دوبی بیشترین اطمینان و احترام را نسبت به ایرانی‌ها دارد، در آن روز چنان در اطراف سالن نمایش بالا و پایین می‌رفتند که گوئی قرار است اسامه بن‌لادن با چتر نجات در آن سالن فرود بیاید. در مدارس قدیم و جدید ایرانیان دوبی هم وضع به همین‌گونه‌است، یعنی فاصله‌گیری ایرانی‌های قدیمی و ایرانیان عادی از معلمین و کارکنان ریشوئی که کنسولگری جمهوری اسلامی به این مدارس تحمیل کرده‌است. این تحمیل به آسانی صورت می‌گیرد، زیرا بخشی از هزینه این مدارس را کنسولگری می‌دهد، اما همسانی و دوستی بین این افراد و ایرانیان دیگر هرگز در این سال‌ها ممکن نشده‌است. چه کسی می‌تواند کسانی را که متهم به خبرچینی برای کنسولگری هستند به دوستی انتخاب کند و به درون خانه و زندگی خود ببرد؟

با پرس و جوئی اندک مسئول امور فرهنگی کنسولگری را معرفی می‌کنند: "حسینی" از اهالی استان بوشهر. این هم از آن رازهای سر به مهر است که در هر دو تشکیلات اطلاعاتی-امنیتی پیش و پس از انقلاب ۵۷ خیلی از ماموران امنیتی به نام مستعار "حسینی" علاقمند بودند و هستند!

نام سرکنسول دوبی نیز "جواد مخصوص" است، با قدی کوتاه و ریشی که گوئی در پایان دو طرف صورت اصلاح شده وی چسبانده‌اند. این یگانه نشانه و یا بقایای اسلام در اوست که از کناره‌های شقیقه و از دو گونه صورت تا چانه عقب نشینی کرده‌است.

ماموریت در کنسولگری و یا هر اداره وابسته دیگری در دوبی سرفقلی دارد؛ نه بخاطر آب و هوا، بلکه بخاطر درآمدش و برای آمدن و ماندن اغلب چهره امنیتی و فعال در خبر جمع کنی به خود می‌گیرند.

بازی امنیتی-خبرچینی، که سر نخ آن به کنسولگری جمهوری اسلامی وصل است، باعث شده تا ایرانیان مقیم دوبی، علیرغم کثرتی که دارند نتوانند بعنوان یک اقلیت مقتدر متشکل شده و از حقوق خود در دوبی دفاع کنند. به این تفرقه کنسولگری دامن می‌زند تا هم با ایرانیان متشکل مقیم دوبی طرف نباشد و هم با دامن زدن به بدبینی بین ایرانیان بر جمعیتی متفرق اما انبوه حکومت کند!

باغی سرسبز با دیوارهای بلند قرار گرفته‌است. این بنا در فاصله دو انتخابات ۷۶ و ۸۰ برپا شد و نمادی شد از آگاهی مردم و اراده آنها برای تعیین سرنوشت خویش در پای صندوق‌های رای. انتخابات ۸۰ (دور دوم ریاست جمهوری محمدخاتمی) در همین محل برگزار شد. اتاق‌ها و سالن‌ها گنجایش جمعیتی به مراتب بیشتر از انتخابات سال ۷۶ را داشتند، اما شور و هیجان مردمی و خودجوش آن انتخابات، اینبار گرفتار بروکراسی اداری و تحمیلی کنسولگری شده بود. کارکنان کنسولگری که آشکارا از شرکت مردم در انتخابات راضی نبودند، مردم را در گرمای شدید دوبی ساعت‌ها شناسنامه بدست پشت در و دیوارهای بلند کنسولگری معطل نگهداشتند. کارکنان سفارت در روز رای‌گیری انتخابات ۸۰ ادب ظاهری را حفظ کردند اما تبسم سرد و خشک آنها هیچ نشانی از همراهی و همدلی با مردم را نداشت.

ریشه ایرانی‌ها در دوبی

ایرانی‌های قدیمی دوبی با چنان علاقه و دقتی درباره زندگی خود و مقامات کنسولگری که یگانگی چندان با مردم ندارند توضیح می‌دهند که حتی اگر دوبی را ندیده باشید هم می‌توانید آن را تجسم کنید. همین ایرانی‌ها از بیگانگی دیگری هم سخن می‌گویند: ارواحی کیف بدست، با پیراهن‌های سفید بی یقه و صورتی که آن را با ماشین سرتراش شماره یک چنان تراشیده‌اند که گوئی تیغ به صورت کشیده‌اند. وارد هتل‌های گرانقیمت دوبی می‌شوند و چند روز بعد به ایران باز می‌گردند. با ایرانیان دوبی کمترین تماس را می‌گیرند تا کسی سر از کارشان در نیآورد. کنسولگری دوبی به ظاهر کارهای مربوط به شناسنامه، وکالت، نسبیت، گذرنامه، ویزا و غیره را انجام می‌دهد که همیشه نیز برای انجام همین امور مملو از ایرانی‌های مقیم دوبی است. وقتی پلیس اماراتی به لباس فرم ویژه دولت برای امور شناسنامه ایرانی‌اش به کنسولگری مراجعه می‌کند، تازه می‌توانید به ریشه‌های عمیق ایرانیان در دوبی پی‌ببرید. تازه بعد از دیدن این صحنه‌هاست که از آن همه بی‌لیاقتی برای تأثیر گذاری فرهنگی روی ایرانیان دوبی افسوس می‌خورید. بجای فرهنگ ایرانی، ارتجاع مذهبی و قوانین خشک مذهبی را تبلیغ می‌کنند که هیچ طرفداری ندارد و ایران را علیرغم آن حضور مالی و فرهنگی که در دوبی دارد، تا حد یک شیخ نشین مرتجع منطقه پائین می‌آورد.

یک ایرانی دیگر می‌گفت: برای ما قاری قرآن می‌فرستند و برای ایرانی‌ها مسابقه قرائت قرآن می‌گذارند. از این چیزها که همیشه پیدا می‌شود. وقتی گوگوش برای کنسرت به منطقه آمد، استقبالی که از او شد که از هیچکس تا حالا نشده بود.

ویزای امریکا

مراجعه‌کن روزانه کنسولگری جمهوری اسلامی روز به روز افزایش می‌یابد و اگر کسی ادعا کند کنسولگری جمهوری اسلامی در دوبی در مقایسه با دیگر کنسولگری‌ها بیشترین مراجعه را دارد ادعائی باطل نکرده‌است. گیشه صدور ویزا برای ایران شلوغ‌ترین گیشه است. خیلی از ساکنین دیگر کشورها نیز ترجیح می‌دهند با اقامتی کوتاه در دوبی ویزای ایران را در این کشور دریافت کنند. پروازهای اروپا-ایران، از طریق دوبی هم ارزان‌تر و هم خدمات داخلی آن بهتر از پروازهای مستقیم اروپا - تهران است.

بیمارستان ایرانی دوبی هم یکی از قدیمی‌ترین بیمارستان‌های دوبی است که با همیشه با استقبال مردم محلی و ایرانی‌های ساکن دوبی روبروست. مدیریت و کارکنان آن زیر نظر مستقیم کنسولگری فعالند.